

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

شیر علم خوگیانی - اتریش

۲۰۱۴ / ۰۷ / ۲۶

معبد "ملای کور" در ارگ جمهوری

راویان اخبار روایت کنند، که در زمانی نچندان دور، در سرزمینی که آنرا سرانديپ می‌گفتند، گوسفندانی در چراگاههای بسر می بردند که در ظاهر شکل آدمی را داشتند. درین سرزمین پادشاهی حکمفرما بود، که تندیس ملای کور را پرستش می کرد. معبد بزرگی در قصر، که با مصرف گزاف بادآورده و کار شباروزی صدها کارگر فنی از هر گوشه و کنار جهان، اعمار گردیده بود، تندیس ملای کور را در بر گرفته بود.

گویند معبد بس باشکوه بود، با گنبدی طلائی و جواهر نشان؛ دیوارها، دروازه ها و پنجره های مطلا که یکی از شاهکارهای معماری عصر جدید به شمار می رفت. در تالار این معبد تندیس ملای کور به ارتفاع پنجاه و سه متر با عظمت تمام نصب گردیده، که به دست پیکرتراشان ماهر چنان تراش شده بود، که هیبت و کینه توزی آن از دور نمایان بوده و در جای یک چشمی که نداشت، یاقوت گرانبهای قرار داشت.

از همان روز اول بنای معبد، هرروز امر فرمودند تا چند رأس از گوسفندان آدم نما را قربانی نموده و خون آنها را با مواد تعمیراتی مخلوط کنند، تا روح خداوند "ملای کور" خشنود باشد. افتتاح این معبد با اشتراک رهبرانی چند از ممالک همجوار و صدها بزرگ قومی و جهادی با جشنی باشکوه و شادی و پایکوبی بی نظیری صورت گرفت. و بالخاصه از زعیم آن سرزمینی قدردانی شد، که زادگاه خدای خدایان است و او را "نور دیده" خطاب کردند. در محفل افتتاحیه

حکمروا به شکرانگی دوام سلطنتش، چندین رأس از گوسفندان آدم پیکر را قربان کرده و اجساد قربانیان را به ارواح خبیثه نذر کردند.

و آن گاه به عبادت مشغول گشته و بنده وار دعاء همی کرد که:

- ای ملای بزرگ کور!

- ای خدائی که چندین هزار از ارواح خبیثه را که همه برادران من اند، زیر فرمان داری!

- ای ملای بزرگ کور! با من آشتی کن، تا قربانی بیشتری به درگاه تو تقدیم نمایم.

- مرا یاری کن، و یاری کن تا سلطنت من دوام کند، و به شکرانگی آن هر روز چندین رأس از این چارپایان آدم چهره را به قربانگاه تو بفرستم.

- مرا یاری ده تا درین سرزمین گوسفندان، پادشاهی من میراثی گردد و به بازماندگانم برسد.

- من از فرمان تو پیروی مینمایم و به بازماندگان خود نیز دین ترا ترویج کرده ام، تا از پیروان وفادار تو باشم.

در حالی که از آینده یگانه پسرش نگران است، گریه و زاری کنان دعاء میکند تا لطفش نصیب او گردد و نگذارد، تا به ممالک دیگر رفته و علم آنها را بیاموزد.

دعاء می کند:

- مرا یاری ده!

- می دانم که تو هم خدای دیگری داری که ترا آفریده و او را نام [آی اس آی] است، که مخفف سه کلمه (آی: بیا، اس: با صداقت، و آی دوم: تکرار حسن بیا) میباشد.

- قربانیهایی که من برای تو اهداء میکنم قسمت بزرگی را او تصاحب می نماید.

- بلی! خدای تو از تو هم آن قدر حریصتر است، که در تصور نمیگنجد و قربانی بیشتر همی خواهد.

اما این دعاء ها و التماس و زاری حکمروا چشم کور ملای بزرگ را باز نکرده و با غضب به او مینگرد و قربانی بیشتر می خواهد.

وقتی التماس و زاری وی نتوانست دل سنگ ملای کور را ملایم سازد، و از غضبش بکاهد، با کمال ناامیدی و مأیوسی دوباره بر اریکه قدرت جلوس مینماید و امر میفرماید تا مجلس وزراء به صورت فوق العاده دائر گردد و مشاورین ارشد و اعضای شورای صلح نیز فراخوانده شوند، تا در مورد امور بزرگ دولتی تصامیم جدی گرفته شود.

بعد از گفت و گوی، شور و غالمغال، همه با یکصدا میگویند:

ای رئیس جمهور عالم گوسفندان!

ما که از خیرات این خدای بزرگ کور به نوائی رسیده ایم، مشوره ما اینست که باید همچنان به قربانی در معبد دوام داده شده و اصرار بیشتر گردد، تا باشد که دل سنگش نرم شود؛ باشد که چشم کورش نور بینائی یابد.

و هم هیئتی را به سرزمین خدای خدایان، آن طرف سرزمین گوسفندان بفرستند تا روح آن ملای کور کمی به آرامش برسد.

بلی! ایماندارى چنین باید.

اما هر بار هیئت با آستینهای چین درازتر از پاچه تنبان، بدون دستاوردی، مأیوسانه برگشته و در ظاهر ملای کور و خدای او، سر آشتی نداشتند و هر روز قربانی بیشتر طلب همی کردند.